

وضعیت ایران در گزارش «شاخص سیاره سادمان»

(۲۰۱۶-۲۰۰۶)

مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران

(ایپا)

بهمن ماه ۱۳۹۵



اسپا؛

این مجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران

کارآمد در نظر سنجی، انکار سنجی و آینده پژوهی

عنوان گزارش: وضعیت ایران در گزارش «شاخص سبزه ماندان» (۲۰۱۶-۲۰۰۶)

تهیه و تدوین: مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)

زیر نظر: محمد آقاسی

محقق: ابراهیم شیرعلی

تاریخ تدوین گزارش: بهمن ماه ۱۳۹۵

خیابان انقلاب اسلامی - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای زاهد ارمی - شماره ۷۲ - طبقه همکف - مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)

تلفن: ۰۲۰-۶۶۴۸۷۰۱۸

www.ispa.ir

info@ispa.ir

1- مقدمه

امروزه با جهانی روبرو هستیم که با مسائل و مشکلاتی فراتر از رشد اقتصادی مواجه است. اقتصاد جهانی ناپایدار، افزایش نابرابری‌ها، و افزایش چالش‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی از جمله این مسائل است که باعث شده تا کشورها به فکر زندگی پایدارتر باشند. توجه تک‌بعدی به رشد اقتصادی و تولید ثروت در کشورها، که به طور عمده با شاخص «تولید ناخالص داخلی» اندازه‌گیری می‌شود، باعث شده از سایر جنبه‌های زندگی، از جمله جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی غافل شویم و نگاه به توسعه دچار تقلیل و کاهش‌گرایی گردد.

رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه بدین معنا نیست که هرکسی در یک کشور زندگی مطلوبی دارد؛ بلکه نشان می‌دهد که کشوری ثروتمند است، بنابراین نمی‌تواند موضوعات مهم دیگری از جمله روابط اجتماعی، سلامت، نحوه گذران وقت و ... را ارزش‌گذاری نماید. از سوی دیگر منابع و امکانات موجود در اختیار ما محدود است و پاسخگوی همه نیازها و فراهم کننده رشد و توسعه بالای اقتصادی برای همه کشورها نیست.

«شاخص سیاره شادمان»¹، یکی از شاخص‌هایی است که توسط (بنیاد اقتصادهای نو)² برای همه کشورها و در سطح جهانی محاسبه شده و منتشر می‌گردد. این شاخص تصویر کلی از «کیفیت زندگی»³ افراد به ما می‌دهد. نشان می‌دهد که افراد چه مدت زنده هستند، افراد زندگی خود را چگونه تجربه می‌کنند و توزیع آنها و سهم افراد در امید به زندگی و رضایت از زندگی تا چه اندازه متفاوت و نابرابر است. این شاخص با تعیین مقدار منابع طبیعی مورد نیاز برای دستیابی به نتایج مطلوب، وضعیت بهزیستی پایدار⁴ در کشورها را نشان می‌دهد.

2- شاخص سیاره شادمان؛ شاخص جهانی بهزیستی پایدار

شاخص سیاره شادمان، بهزیستی پایدار را اندازه می‌گیرد. این شاخص به مقایسه اینکه چطور افراد در کشورهای مختلف به طور مؤثری، از منابع طبیعی برای دستیابی به زندگی طولانی و مطلوب استفاده می‌-

¹. Happy Planet Index

². New Economics Foundation

³ Quality of Life

⁴. Sustainable wellbeing

کنند، می‌پردازد. به بیان دیگر این شاخص تلاشی برای ارزیابی توازن تخریب محیط‌زیست و توسعه انسانی در یک مقیاس جهانی است. این شاخص دارای چهار مؤلفه اساسی است:

امید به زندگی¹: تعداد سال‌هایی است که به طور میانگین انتظار می‌رود یک نوزاد تازه متولد شده، در کشوری خاص زندگی کند، به شرطی که الگوهای مشخص نرخ مرگ و میر در زمان تولد در آن کشور، در سراسر زندگی فرد تازه متولد شده، ثابت بماند. آمار مربوط به امید به زندگی کشورها، هر ساله توسط دپارتمان و بخش جمعیت سازمان ملل متحد²، منتشر می‌شود. امید به زندگی معمولاً به عنوان سنج‌ای استاندارد از سلامت در کشورها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بهزیستی تجربه شده³: میانگین پاسخ‌های افراد به این پرسش را شامل می‌شود؛ «لطفاً تصور کنید که یک طیف صفر تا 10 وجود دارد. فرض کنید شماره 10 نشان دهنده بهترین زندگی ممکن و عدد صفر بدترین زندگی ممکن برای شما است. در حال حاضر کدام نقطه از طیف (0-10) به احساس شما در مورد زندگی-تان نزدیک‌تر است؟» این سؤال به طور منظم و همه ساله توسط «موسسه نظرسنجی گالوپ» در سطح جهانی از افراد پرسیده می‌شود و نتایج آن منتشر می‌گردد. بهزیستی تجربه‌شده، معمولاً برای سنجش وضعیت کلی و عمومی زندگی افراد به کار می‌رود.

نابرابری نتایج⁴: این مؤلفه، نابرابری پراکنش امتیازهای شاخص «بهزیستی تجربه شده» و «امید زندگی» را در کشوری خاص اندازه‌گیری می‌کند. در واقع این شاخص، شکاف بین میانگین رضایت از زندگی و میانگین طول عمر را که از دو سنجه قبلی بدست آمده با فرمول‌های ریاضی، محاسبه کرده و در قالب درصد ارائه می‌دهد.

جای پای اکولوژیک⁵: عبارت است از میانگین مقدار زمین مورد نیاز به ازای هر فرد، به طوری که استفاده از منابع طبیعی تداوم یابد. این شامل زمین مورد نیاز برای استفاده مردم از منابع تجدیدپذیر⁶ و انرژی‌های نو⁷ و نیز زمین‌های دارای پوشش گیاهی می‌باشد که برای جذب دی‌اکسیدکربن انتشار یافته و موجود در

¹. Life expectancy

². UNPD

³. Experienced Wellbeing

⁴. Inequality of Outcomes

⁵. Ecological footprint

⁶ renewable resources

⁷ Renewable energy

محصولات مصرفی می‌باشد. این شاخص به ازای هر نفر، هر ساله و توسط « شبکه جای پای اکولوژیک جهانی»¹ به هکتار گزارش می‌شود.

«شاخص سیاره شادمان» از سال 2006 برای بیشتر کشورهای جهان محاسبه شده است. در حال حاضر گزارش سال‌های (2006، 2009، 2012 و 2016) موجود است. با توجه به توضیحات داده شده، گفتنی است شاخص سیاره شادمان از طریق فرمول زیر بدست می‌آید. «امید زندگی» به سال، «بهبودی تجربه شده» عددی بین (0-10)، «نابرابری نتایج» با درصد (0-100) و «جای پای اکولوژیک» به ازای هر نفر و هکتار بیان می‌شود.

$$\text{نابرابری نتایج} \times \text{بهبودی تجربه شده} \times \text{امید زندگی} = \frac{\text{شاخص سیاره شادمان}}{\text{جای پای اکولوژیک}}$$

3- بنیان‌های نظری شاخص سیاره شادمان

طبق تعریفی که از شاخص سیاره شادمان ارائه شد و همانطور که سنجه‌های آن نشان می‌دهد، شادمانی و بهبودی و نیز محیط زیست شاکله و ایده اصلی آن را تشکیل می‌دهند. بنابراین ابتدا نگاهی کلی به مفاهیم و نظریات شادمانی و بهبودی می‌اندازیم و سپس اشاره کوتاهی به محیط‌زیست‌گرایی² در توسعه می‌شود.

3-1- شادمانی³

اگرچه سابقه توجه به موضوع شادمانی و بهبودی، طولانی است و یک سنت محسوب می‌شود اما، تاریخچه مطالعات و پژوهش‌های علمی در ارتباط با شادمانی به بیش از سه دهه اخیر، با محوریت کشور ایالات متحده امریکا برمی‌گردد. بعد از دهه 1960 است که روانشناسان اجتماعی و اندیشمندان حوزه سلامت به مفاهیم کیفیت زندگی، بهبودی ذهنی⁴، سلامت روانی و اجتماعی و نیز شادمانی توجه ویژه‌ای کردند (اویشی⁵ و همکاران، 2013). «وینهوون»⁶ معتقد است که از دهه 1960 به بعد علاقه روزافزونی درباره اینکه مردم نسبت به زندگی خویش چه احساسی دارند، به وجود آمد و این علاقه در جریانی موسوم

¹. Global Footprint Network

². Environmentalism

³. Happiness

⁴. Subjective Wellbeing

⁵. Oishi

⁶. Veenhoven

به مطالعات بهزیستی ذهنی، صورت خارجی و عینی به خود گرفت. هسته و ایده اصلی این سنت پژوهشی، به میزان ارزیابی کلی از زندگی برحسب توجه به شادمانی و رضایت از زندگی مربوط است، که این ارزیابی کلی حاصل گزارش و دریافت خود افراد می‌باشد (وینهون، 2001).

«مایکل آرگایل¹» معتقد است که سابقه پژوهش‌های مربوط به شادمانی بسیار کوتاه است و این حوزه اخیراً ظاهر شده است. وی نظرسنجی‌های دهه 1960 را که توسط سازمان‌های نظرسنجی در آمریکا صورت گرفتند و سؤالاتی راجع به شادمانی و رضایت از زندگی را پرسیدند، موجب تولید کارهایی کلاسیک در زمینه شادمانی و بهزیستی می‌داند (آرگایل، 1386: 22). از سال 1960، مطالعات مربوط به بهزیستی در مفاهیم متفاوتی وارد علوم اجتماعی شده است. از اواسط دهه 1970، رشد تحقیقات دانشگاهی درباره بهزیستی و مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری آن شروع شد. بسیاری از محققان، مطالعه ریچارد استرلین² در سال 1974 را با عنوان «آیا رشد اقتصادی، سهم افراد را افزایش می‌دهد؟»، نقطه شروع این تحقیقات می‌دانند. در حقیقت، وجود برخی شواهد تجربی از افزایش رشد اقتصادی و همراه نبودن آن با سایر ابعاد توسعه، شروعی برای انجام تحقیقات متعدد در این حوزه شد (شریفیان‌ثانی و زنجری، 1393: 73).

به طور کلی می‌توانیم دو تلقی و برداشت از معنی و ماهیت شادمانی داشته باشیم. یک معنی شادمانی مرتبط با لحظه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم و معنی دیگر در کل زندگی است. شادمانی به عنوان نتیجه یک تجربه عملی خاص و مرتبط با لحظه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم همان چیزی است که همه با آن آشنا هستند و یک احساس روان- فیزیولوژیکی است که می‌توان آن را مترادف کلمه «لذت» به کار برد. اما شادمانی در معنای کلی با مفهوم «رضایت‌مندی» مترادف است و سه مؤلفه شناخت، ارزیابی و احساس مثبت مبتنی بر دو مؤلفه اول را در برمی‌گیرد (هالر و هادلر، 2006؛ به نقل از خسروی و چراغ ملایی، 1391: 9). در همین راستا فیتزپتریک³ بیان می‌کند که دو راه در تعریف شادمانی وجود دارد. اول تعریف سطحی که شادمانی را به مثابه یک تجربه خاص و محسوس روانی یا جسمانی قلمداد می‌کند، نظیر احساسی که بهنگام پیروز شدن در یک مسابقه به ما دست می‌دهد. تعریف دوم و عمیق‌تر شادمانی را حالتی عمومی و غالب تعریف می‌کند. حالتی که لزوماً به احساس سرخوشی و یا شادی خاص کاهش‌پذیر نباشد، حالتی که غالباً به عنوان رضایت یا خرسندی از آن یاد می‌شود. بدیهی است تعریف دوم پرمغز و پرمحتواتر است، اما این تعریف نیز مستلزم وجود آزادی، خودمختاری، صحت و اعتبار است تا شادمانی ناشی از آن واقعی، و نه مصنوعی باشد (فیتزپتریک، 1383: 20).

¹. Argyle

². Richard Easterlin

³. Fitzpatrick

وینهوون^۱ از نظریه پردازان برجسته حوزه «روانشناسی مثبت‌گرا» و شادمانی معتقد است که شادمانی، پدیده‌ای میان رشته‌ای است و علوم مختلف نظیر؛ فلسفه، مطالعات حوزه سلامت و کیفیت زندگی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد در آن سهم دارند (وینهوون، 2001). علی‌رغم پراکندگی نظریه‌های مربوط به شادمانی و نیز با توجه به منابع موجود و پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان دیدگاه‌ها و نظریات مختلف را در سه قالب (رویکرد روانشناختی، رویکرد جامعه‌شناختی و رویکرد اقتصادی) خلاصه کرد.

از منظر روانشناسی، شادمانی، برابر است با قضاوت و ارزیابی فرد درباره کلیت زندگی خود. از این منظر شادمانی، مفهومی هم‌خانواده مفاهیم «لذت» و «رضایت‌مندی» پنداشته می‌شود. از این رو «شادمانی، پنداشت (شناخت) و ارزیابی و احساسی مثبت راجع به لذایذ و خواسته‌ها و ترجیحات شخصی است (نوزیک، 1989؛ به نقل از عنبری، 1392: 105). ذیل همین دیدگاه، آرگایل شادمانی را با سه جزء هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان‌ات منفی از جمله افسردگی و اضطراب تعریف می‌کنند. روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و طبیعت را از اجزای شادمانی می‌دانند (آرگایل، 1386).

از نگاه جامعه‌شناختی، شادمانی مفهومی فراتر از ادراکات و پنداشت آدمی است؛ آن پدیده‌ای اجتماعی است که باید آن را در مناسبات اجتماعی، تجربه زیسته افراد، نظام قدرت، بافت تاریخی و فرهنگی و نیز ارزش‌های جامعه جستجو کرد (بارترام، 2011). دیدگاه روانشناختی، شادمانی را به عنوان ماهیتی می‌بیند که مربوط به شخصیت افراد است، درحالی که اندیشمندان اجتماعی آن را یک وضعیت اجتماعی می‌پندارند که دارای مبنایی اجتماعی است. از منظر فردی، شادمانی معادل میزان دسترسی به اهداف یعنی آرزوهای فردی است. اما ممکن است از منظر ناظر بیرونی این نوع دسترسی فراهم نشده باشد و فقط فرد کنشگر چنین پنداری داشته باشد. زمانی که ناظر کنش، چنین ارتباطی را تأیید کند، آن از سطح فردی و روانشناختی به سطح اجتماعی ارتقاء یافته است (گالاتزر، 2000 به نقل از موسوی، 1392؛ عنبری، 1392).

علاوه بر دیدگاه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی، دیدگاه اقتصادی هم نسبت به پدیده شادمانی وجود دارد که برخی از پژوهشگران با توجه به این رهیافت، به مقوله شادمانی پرداخته‌اند. طبق رویکرد اقتصادی، شرایط مادی و رشد درآمد به عنوان عامل اصلی در تبیین شادمانی شناخته می‌شود که آثار بادوام و باثباتی بر شادمانی دارد. تئوری غالب در این حوزه را می‌توان «هرچه بیشتر، بهتر»^۲ نامید. طبق این نگاه، شادمانی را

^۱. Veenhoven

^۲. More Is Better

در سطح خرد می‌توان با میزان درآمد افراد و در سطح کلان با تولید ناخالص ملی و توسعه اقتصادی تحلیل کرد (استرلین، 2003؛ به نقل از موسوی، 1392: 75).

3-2- محیط‌زیست‌گرایی در توسعه

اندیشه حمایت از محیط زیست، مظهر تلاشی است برای گسترش مفهومی که از جامعه داریم، فراتر بردن آن از نسل کنونی آدمی، و شمول آن بر تمامی موجودات - اعم از انسانی و غیرانسانی، و حال و آینده - و نیز نظام زیستی کنونی که ما، جملگی بخش‌های وابسته از آن هستیم. اگرچه طرفداران محیط زیست دارای ریشه‌های عمیق تاریخی هستند، اما در بسیاری از نقاط جهان طی دهه 1960 جنبش‌های روزافزون محیط-زیستی با پروژه‌های مدرنیستی متمرکز بر راه‌حل‌های فن‌آورانه در برابر محدودیت‌های مشهود در محیط طبیعی به چالش برخاستند (فیتزپتریک، 1383: 368؛ ویلیس، 1393: 180). سخن اساسی محیط‌زیست-گرایان این است که ما نمی‌توانیم انتظارات و تقاضاهایی نامحدود از کره زمینی داشته باشیم که فقط دارای منابعی محدود و پایان‌پذیر است. استدلال این است که اکنون میزان تقاضا بر امکانات عرضه چند نسل چربیده است و این امر ناشی از نرخ‌های غیرقابل ادامه رشد، تولید و مصرف است و تأثیرات و پیامدهای آن به چندین صورت متجلی می‌شود: نابودی فزاینده برخی گونه‌های حیات، ناپدیدشدن جنگل‌های استوایی و زمین‌های کشاورزی، نازک شدن لایه اوزون، گرم شدن کره زمین و شدت گرفتن فجایع زیست محیطی (فیتزپتریک، 1383: 181).

دیدگاه‌های زیست‌محیطی «رشد اقتصادی برابر است با توسعه» را به دلایل مختلف رد می‌کند و معتقد است «بیشتر» به معنای «بهتر» نیست و آنچه اهمیت دارد، رشد نیست، بلکه توسعه‌ای عادلانه، پایدار و مشارکتی است، چراکه محدودیت‌های ناشی از منابع و محیط‌زیست برای زندگی در سیاره زمین، ضرورت‌ها و ملاحظاتی را بر انسان تحمیل می‌کند (پیترز، 1395: 220). در همین راستا ایوان ایلچ¹ (1990) انتقادهای متعددی از تولیدگرایی (این اندیشه که رشد اقتصادی به خودی خود یک هدف نیست) به عمل آورد و آن را در مقام مقایسه با قناعت ناشی از خودمختاری خلاق و روابط درونی فضاهای اجتماعی و طبیعی قرار داد. وی معتقد است جامعه مدرن ممکن است از لحاظ مادی در رفاه کامل باشد، اما چون به جای آنکه ما علم و تکنولوژی را کنترل کنیم، در واقع آن‌ها هستند که ما را کنترل می‌کنند و این کیفیت زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جیمز رابرتسن² (1983) خواهان جامعه‌ای با خرد، انسانی و محیط‌زیست‌گراست که متوجه محدودیت‌های رشد باشد و بداند که فعالیت آدمی باید بیشتر به «هستی» و نه «گرفتن» معطوف

¹.Ivan Illich

².Robertson

گردد. در چنین جامعه‌ای «کار خود» و نه اشتغال دستمزدی منبع ثروت خواهد بود. منظور از «کار خود» فعالیتی بامعنا چه در بخش رسمی و چه در بخش غیررسمی اقتصاد است که شخص خود سازمانش دهد و ارزش آن، بر مبنای خرد و تعامل، بیش از جبران مادی سنجیده شود (فیتزپتریک، 1383: 372).

شوماخر¹ در کتاب «کوچک، زیباست» در این زمینه بحث می‌کند که به جای تمرکز بر بیشینه کردن جریان پول و رشد اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی در همه جای دنیا باید مردم‌محور باشد. این سیاست‌ها به جای اینکه انسان‌ها را صرفاً یک مهره در ماشین اقتصادی بزرگ بدانند، باید به آن‌ها اجازه دهند تا خلاق بوده و دامنه کامل آنچه را که انسانی است، تجربه کنند و نیز تخریب محیط‌زیست را به سبب کاربرد رهیافت‌های اقتصادی کنونی تصدیق کنند. چنین تخریب محیط‌زیستی نه تنها از دیدگاه کاهش منابع به‌ویژه استفاده از ذخایر انرژی بوده، بلکه منجر به کاهش ظرفیت تحمل دنیا یعنی حداکثر تعداد افرادی که می‌توان از طریق استفاده از منابع طبیعی جهان تأمین کرد، خواهد شد (ویلِس، 1393: 183).

بحث‌هایی که در خصوص «محیط‌زیست گرایی» شد، می‌تواند زیر عنوان مفهوم شناخته شده «توسعه پایدار»² قرار گیرد. در واقع توسعه پایدار مفهومی است که در اواخر قرن بیستم و در چنین فضایی ظهور کرد. بنابراین در نظریه‌های جدید توسعه، به جای دعوت به ممانعت از رشد اقتصادی، مفهوم توسعه پایدار را مطرح می‌کنند. توسعه پایدار به این معناست که رشد، دست‌کم به لحاظ آرمانی، باید به نحوی دنبال شود که موجب بازیافت منابع مادی شود نه تهی‌ساختن آن‌ها، و سطوح آلودگی را به حداقل ممکن برساند. اصطلاح «توسعه پایدار» نخستین بار در گزارشی معرفی شد که به سفارش سازمان ملل در 1987 تحت عنوان «آینده مشترک ما» منتشر شد. این گزارش تحت عنوان گزارش «برونتلند»³ نیز شناخته می‌شود. توسعه پایدار بنا به تعریف عبارت بود از کاربرد منابع تجدیدشونده و احیای پذیر برای پیشبرد رشد اقتصادی، حفاظت از گونه‌های جانوری و تنوع زیستی و پایبندی به حفظ پاک‌ی هوا، آب و خاک. کمسیون برونتلند توسعه پایدار را «تأمین‌کننده نیازهای زمان حاضر، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای‌شان می‌داند» (گیدنز، 1394: 884).

¹.Schumacher

².Sustainable Development

³.Brundtland

4- وضعیت ایران در گزارش شاخص سیاره شادمان (2006-2016)

در این بخش، با توجه به گزارش‌هایی که وضعیت شاخص سیاره شادمان در کشورها را بررسی و باهم مقایسه می‌کند، وضعیت ایران بررسی و تشریح می‌گردد. در این بررسی سعی خواهد شد وضعیت شاخص سیاره شادمان به تفکیک سال‌های مختلف تحلیل شود و رتبه ایران در منطقه و جهان با کشورهای دیگر نیز مقایسه شود. گفتنی است این گزارش معمولاً هر سه سال یکبار منتشر می‌شود.

جدول شماره 1: وضعیت کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان (2006-2016)

سال	2006	میانگین جهانی	2009	میانگین جهانی	2012	میانگین جهانی	2016	میانگین جهانی
شاخص سیاره شادمان	47.2	43.1	42.1	43.3	41.7	42.5	24.0	26.4
امید زندگی (سال)	70.4	65.8	70.2	67.8	73	69.9	74.8	70.9
بهبودی تجربه شده (0-10)	6.0	6.0	5.6	5.9	4.8	5.2	4.6	5.4
نابرابری نتایج (0-100)	-	-	-	-	-	-	%23.0	%23.0
جای پای اکولوژیک (هکتار)	2.1	2.5	2.7	2.8	2.7	2.7	2.8	3.3

اطلاعات جدول شماره 1 وضعیت کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان و مؤلفه‌های آن را بین سال‌های 2006 تا 2016 نشان می‌دهد. شاخص سیاره شادمان برای ایران طی سال‌های مذکور نشان می‌دهد که هر چه به سال 2016 نزدیک‌تر می‌شویم، از میزان آن کاسته شده و بنابراین وضعیت بدتر می‌شود.

نمره شاخص در سال 2006 برای کشور برابر با 47.2 است که بالاتر از میانگین جهانی در همان سال (43.1) است. این عدد در گزارش بعدی، یعنی سال 2009 روند نزولی داشته و به عدد 42.1 رسیده است که از میانگین جهانی در همان سال (43.3) پایین‌تر است. سال 2012 همین روند نزولی ادامه دارد و نمره شاخص برابر با 41.7 است که باز هم از میانگین جهانی در همان سال (42.5) پایین‌تر گزارش شده است. سال 2016 نسبت به سال‌های دیگر متفاوت است. در این سال، نمره شاخص سیاره شادمان برای کل جهان کاهش یافته است و کشور ایران هم از این قاعده پیروی می‌کند. البته گفتنی است نحوه محاسبه شاخص سیاره شادمان در سال 2016 با تغییر روبرو شده که باعث شده است تا نمرات شاخص نسبت به سال‌های قبل، متفاوت باشد. اما آنچه که مشخص است، این است که ایران با نمره 24 از میانگین جهانی در همان سال (26.4) نیز پایین‌تر است. نمره 24 برای سال 2016 نشان می‌دهد که طی سال‌های 2012 تا 2016 روند

کاهش را با سرعت بیشتری طی کرده است و نمره کسب شده، نسب به میانگین جهانی تفاوت زیادی دارد. در خصوص مؤلفه‌های شاخص سیاره شادمان باید گفت، وضعیت «امید زندگی» در ایران نسبت به میانگین جهانی در همه سال‌ها بهتر است. در مقابل «بهزیستی تجربه‌شده» که میزان کلی رضایت از زندگی را می‌سنجد از میانگین جهانی کمتر است. در ارتباط با شاخص ردپای اکولوژیک هم باید گفت که وضعیت ایران در سال‌های 2006 و 2016 بهتر از وضعیت جهانی بوده، اما در سال‌های 2009 و 2012 تقریباً وضعیت مشابهی با میانگین جهانی دارد. گفتنی است جای پای اکولوژیکی عددی است که توسط «شبکه جای پای اکولوژیک» به هکتار گزارش می‌شود. این عدد به معنای زمین‌های مورد نیاز برای بقاء و رفع نیازهای انسان به ازای هر نفر است.

جدول شماره 2: رتبه جهانی کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان (2006-2016)

رتبه ایران	رتبه آخر		رتبه نخست		سال (بازه رتبه)
	میزان شاخص	کشور	میزان شاخص	کشور	
67	16.6	زیمباوه	68.2	جمهوری وانواتو	2006 (1-178)
81	16.6	زیمباوه	76.1	کاستاریکا	2009 (1-143)
77	22.6	بوتسوانا	64.0	کاستاریکا	2012 (1-151)
84	12.8	چاد	44.7	کاستاریکا	2016 (1-140)

جدول شماره 2 وضعیت و رتبه ایران را در شاخص سیاره شادمان نشان می‌دهد. همانطور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، بهترین رتبه مربوط به سال 2006 می‌باشد. بعد از سال 2006، ایران روند کاهشی را طی نموده است و در سال 2016 بدترین رتبه را نسبت به سال‌های مذکور به خود اختصاص داده است.

ذکر این نکته هم مهم است؛ در گزارش شاخص سیاره شادمان، آمده است که آمارها و اطلاعات خامی که مبنای شاخص‌سازی و نمره‌دهی قرار می‌گیرند، با اختلاف 2 الی 3 سال جمع‌آوری می‌شوند. بنابراین اگر بخواهیم آن را با دوره زمانی ایران، تطبیق دهیم تقریباً از سال 1383 تا 1393 را شامل می‌شود؛ یعنی از ابتدای روی کار آمدن دولت نهم تا اوایل کار دولت یازدهم را دربرمی‌گیرد.

جدول شماره 3: وضعیت کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه MENA (2006)

رتبه منطقه	کشور	سیاره شادمان	امید زندگی (سن)	بهزیستی تجربه شده (0-10)	جای پای اکولوژیک (هکتار)	رتبه جهانی
1	تونس	58.9	73.3	6.4	1.4	21
2	یمن	55.0	60.6	6.2	0.7	35
3	مراکش	54.4	69.7	5.6	0.9	37
4	فلسطین	52.6	72.5	5.4	1.1	45
<u>5</u>	<u>ایران</u>	<u>47.2</u>	<u>70.4</u>	<u>6.0</u>	<u>2.1</u>	<u>67</u>
6	الجزایر	45.9	71.1	5.2	1.5	73
7	عمان	43.9	74.1	7.3	4.4	80
8	لبنان	43.6	72.0	5.6	2.3	83
9	سوریه	43.2	73.3	5.1	1.9	86
10	عربستان	42.7	71.8	7.3	4.4	89
11	اردن	42.0	71.3	5.1	1.9	93
12	مصر	41.6	69.8	4.8	1.5	97
13	ترکیه	41.4	68.7	5.3	2.0	98
14	لیبی	40.3	73.6	5.7	3.1	107
15	بحرین	34.4	74.3	7.2	6.6	138
16	امارات	28.2	78.0	7.4	9.9	154
17	کویت	27.7	46.9	7.2	9.5	159
18	قطر	25.5	72.8	7.0	9.5	166

در این بخش سعی شده تا وضعیت شاخص سیاره شادمان، برای کشور ایران در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا¹ (MENA) مورد بررسی قرار گیرد. البته این نکته قابل ذکر است که در گزارش مذکور، برخی از کشورهای منطقه در سالهای مختلف، به دلیل نقص در آمار و اطلاعات، در گزارش حضور ندارند.

جدول شماره 3، وضعیت کشور ایران در سال 2006 بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود جایگاه کشور ایران در منطقه نسبتاً خوب است و از بین 18 کشور با امتیاز 47.2 در جایگاه 5 قرار دارد.

¹.Middle East and North Africa

جدول شماره 4: وضعیت کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه MENA (2009)

رتبه منطقه	کشور	سیاره شادمان	امید زندگی (سن)	بهزیستی تجربه شده (0-10)	جای پای اکولوژیک (هکتار)	رتبه جهانی
1	مصر	60.3	70.7	6.7	1.7	12
2	عربستان	59.7	72.2	7.7	2.6	13
3	مراکش	56.8	70.4	5.6	1.1	21
4	اردن	54.6	71.9	6.0	1.7	26
5	تونس	54.3	73.5	5.9	1.8	29
6	سوریه	51.3	73.6	5.9	2.1	38
7	الجزایر	51.2	71.7	5.6	1.7	40
8	یمن	48.1	61.5	5.2	0.9	50
9	فلسطین	47.7	72.9	5.0	1.5	56
10	عراق	42.6	57.7	5.4	1.3	79
<u>11</u>	<u>ایران</u>	<u>42.1</u>	<u>70.2</u>	<u>5.6</u>	<u>2.7</u>	<u>81</u>
12	ترکیه	41.7	71.4	5.5	2.7	83
13	لبنان	33.6	71.5	4.7	3.1	110
14	امارات	28.2	78.3	7.2	9.5	123
15	کویت	27.0	77.3	6.7	8.9	128

جدول شماره 4، وضعیت ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه را در سال 2009 نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود ایران با نمره 42.1 در رتبه 11 قرار می‌گیرد. این رتبه نشان می‌دهد که ایران نسبت به گزارش قبلی (2006) روند نزولی و افت محسوسی را داشته است و از این نظر رتبه مطلوبی در منطقه ندارد.

جدول شماره 5: وضعیت کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه MENA (2012)

رتبه منطقه	کشور	سیاره شادمان	امید زندگی (سن)	بهزیستی تجربه شده (0-10)	جای پای اکولوژیک (هکتار)	رتبه جهانی
1	الجزایر	52.2	73.1	5.2	1.6	26
2	اردن	51.7	73.4	5.7	2.1	27
3	فلسطین	51.2	72.8	4.8	1.4	30
4	عراق	49.2	69.0	5.0	1.4	36
5	تونس	48.3	74.5	4.7	1.8	39
6	مراکش	47.9	72.2	4.4	1.3	42
7	ترکیه	47.6	74.0	5.5	2.6	44
8	سوریه	47.1	75.9	4.1	1.5	47
9	عربستان	46.0	73.9	6.7	4.0	56
10	یمن	43.0	65.5	3.9	0.9	68
11	لبنان	42.9	72.6	5.2	2.8	69
<u>12</u>	<u>ایران</u>	<u>41.7</u>	<u>73.0</u>	<u>4.8</u>	<u>2.7</u>	<u>77</u>
13	لیبی	40.8	74.8	4.9	3.2	81
14	مصر	39.6	73.2	3.9	2.1	91
15	امارات	31.8	76.5	7.2	8.9	130
16	کویت	27.1	74.6	6.6	9.7	143
17	بحرین	26.6	75.1	4.6	6.6	146
18	قطر	25.2	78.4	6.6	11.7	149

اطلاعات جدول شماره 5، وضعیت ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه را در سال 2012 نشان می‌دهد. در گزارش سال 2012، وضعیت ایران نسبت به گزارش قبلی یعنی سال 2009 چندان تفاوت محسوسی را نداشته است و همچنان روند نزولی را طی می‌کند. در سال 2012 ایران با نمره 41.7 از بین 18 کشور منطقه، رتبه 12 را به خود اختصاص داده است که رتبه چندان مطلوبی نیست.

جدول شماره 6: وضعیت کشور ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه MENA (2016)

رتبه منطقه	کشور	سیاره شادمان	امید زندگی (سن)	بهبودی تجربه شده (0-10)	نابرابری نتایج (0-100)	جای پای اکولوژیک (هکتار)	رتبه جهانی
1	فلسطین	34.5	72.6	4.6	%24	1.2	22
2	الجزایر	33.3	74.3	5.6	%24	2.1	30
3	مراکش	32.7	73.4	5.0	%25	1.7	33
4	عراق	26.5	69.0	4.7	%27	1.9	67
5	ترکیه	26.4	74.7	5.3	%19	3.3	68
6	تونس	26.2	74.6	4.5	%22	2.3	71
<u>7</u>	<u>ایران</u>	<u>24.0</u>	<u>74.8</u>	<u>4.6</u>	<u>%23</u>	<u>2.8</u>	<u>84</u>
8	مصر	23.8	70.7	4.2	%23	2.2	86
9	یمن	22.8	63.3	4.1	%39	1.0	94
10	لبنان	21.9	78.8	4.6	%19	3.8	100
11	عمان	21.1	76.3	6.9	%13	7.5	106
12	افغانستان	20.2	59.7	3.8	%43	0.8	110
13	سوریه	19.1	70.4	3.2	%30	1.5	113

اطلاعات جدول شماره 6، وضعیت ایران بر حسب شاخص سیاره شادمان در منطقه را در سال 2016 نشان می‌دهد. در گزارش سال 2016، ایران با نمره 24 از بین 13 کشور منطقه، رتبه 7 را به خود اختصاص داده است که رتبه چندان مطلوبی نیست.

5- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ادبیات گزارش‌های توسعه سازمان ملل و بقیه سازمان‌های بین‌المللی از اواخر دهه 1970 به این سو تغییر کرده است. ابتدا رفع نیازهای برآورده نشده انسان به جای تأکید بر شاخص‌های کمی اقتصادی به عنوان تعریف توسعه، بروز کرد. برآورد فقر، توزیع درآمد، تغذیه، مرگ و میر کودکان، امید به زندگی، باسوادی، آموزش و پرورش، دسترسی به اشتغال، مسکن و آبرسانی به بخشی از گزارش‌های توسعه بدل شد (گای، 1371؛ به نقل از فاضلی، 1391: 38). به تدریج مشخص شد که رشد شاخص‌های اقتصادی، همیشه به معنای تأمین کالاهای ضروری خانواده‌ها، دسترسی به خدمات ضروری شهری، مراقبت بهداشتی، تضمین مشارکت در تصمیم‌گیری، تحقق حقوق بشر و اشتغال مولد نیست. در واقع در این دوره شاهد پررنگ شدن

شاخص‌های اجتماعی در ارزیابی توسعه و پیامدهای آن هستیم. گزارش سازمان ملل، در اوایل دهه 1990 با رویکرد «توسعه انسانی» منتشر شد و در پی صدور بیانیه آمستردام، مؤلفه‌های مربوط به «توسعه اجتماعی» نیز به نوشته‌های توسعه راه یافت و مفاهیمی مثل بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت (غفاری، 1394: 28). استیگلitz¹ (1382) این تغییر پارادایمی در توسعه را معطوف به تحول و توسعه اجتماعی می‌داند که ضمن گسترش افق‌های انتخاب و آزادی افراد، کاهش فقر و تخریب محیط‌زیست، افزایش بهداشت و طول عمر و به طور کلی ارتقاء کیفیت زندگی را به همراه دارد (استیگلitz، 1382). در کنار توجه به شاخص‌های اجتماعی در امر توسعه، محیط‌زیست اهمیت فراوانی یافت. از زمان انتشار گزارش «آینده مشترک ما»، کنفرانس سازمان ملل درباره محیط‌زیست و توسعه، یا اجلاس کره زمین در ریودوژانیرو به سال 1992، پیوند بین توسعه و محیط‌زیست در قالب مفاهیمی همچون توسعه پایدار پذیرش همگانی یافت (اسلوتوگ و همکاران، 1388).

شاخص «سیاره شادمان» شاخصی است که با همین رویکرد و تغییر پارادایمیک در توسعه، ساخته شده است و هدف آن این است که وضعیت توسعه در کشورها را بر حسب توسعه اجتماعی و فاکتور محیط-زیست مورد ارزیابی قرار دهد. رتبه ایران در سال‌های 2006 تا 2016 نشان می‌دهد، که از نظر شاخص سیاره شادمان بین کشورهای جهان تقریباً در جایگاه میانی قرار داریم. در سال 2006 رتبه و وضعیت ایران وضعیت بهتری را نسب به سال‌های دیگر نشان می‌دهد. اما هر چه به سال 2016 نزدیک‌تر می‌شویم روند نزولی و کاهشی، غلبه دارد. این وضعیت در منطقه هم صادق است. در منطقه MENA نیز وضعیت چندان مطلوبی را دارا نیستیم. نقطه قوت در گزارش سیاره شادمان در ارتباط با کشور ایران، به مولفه «امید به زندگی» مربوط می‌شود که از متوسط جهانی همیشه بالاتر بوده است. اما مؤلفه‌های دیگر از جمله «بهزیستی تجربه شده» و «جای پای اکولوژیک» یا مشابه میانگین جهانی است و یا از میانگین جهانی پایین‌تر گزارش شده است.

گفتنی است ارتباط معناداری بین شاخص «سیاره شادمان» و سایر شاخص‌های توسعه که قبلاً توسط «مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران» گزارش شده است، وجود دارد. گزارش شاخص «پیشرفت اجتماعی»² برای سال‌های 2014 تا 2016 که توسط ایسپا منتشر شده است، نشان می‌دهد، امتیاز شاخص پیشرفت اجتماعی بین 55 تا 60 از 100 است (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، 1395). همچنین مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در سال 1393 طرح پژوهشی، تحت عنوان «بررسی کیفیت زندگی مردم ایران بر

¹.Stieglitz

².Social Progress Index

اساس پرسشنامه سازمان بهداشت جهانی» را در سطح ملی و با نمونه 10160 نفر انجام داد، که در آن امتیاز شاخص کیفیت زندگی مشابه شاخص پیشرفت اجتماعی عدد 55 از 100 را نشان می‌دهد که قابل توجه است (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، 1393).

بنابراین توجه به شاخص‌ها و زوایای اجتماعی در امر توسعه اجتناب‌ناپذیر است. باید نگاهی بومی و دورن‌زا به الگوهای توسعه در کشور داشت، به گونه‌ای که نقش فاکتورهای اجتماعی، فرهنگی و زیست-محیطی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه جدی گرفت و برای ارتقاء و بهبود آن‌ها، راهبرد تعریف کرد. به نظر می‌رسد باید نگاه کلان و گسترده‌ای نسبت به ارتقاء شاخص‌های اجتماعی (رفاه، کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، پایداری اکولوژیکی و...) در برنامه‌های توسعه داشت و در کنار توجه به رشد و توسعه اقتصادی، شاخص‌های اجتماعی و زیست‌محیطی با محوریت مردم و اجتماع به طور یکپارچه، مدنظر قرار گیرند.

منابع

- آرگایل، مایکل (1386)، روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری انارکی و همکاران، چاپ سوم، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- اسلوتوگ، روئل؛ ونکلی، فرانک، اسخوتن، مارلیس (1388)، تلفیق برآورد پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی، چاپ شده در راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- استیگلیتز، جوزف (1382)، به سوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 195-196.
- پیترز، جان ندروین (1395)، نظریه توسعه، ترجمه انور محمدی، تهران: انتشارات گل آذین.
- خسروی، زهره و چراغ ملایی، لیلا (1391)، بررسی مقایسه‌ای تعهد اجتماعی، شادکامی و سلامت روان در دانش‌آموزان و دانشجویان با تأکید بر عامل جنسیت، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره 1.
- شریفیان‌ثانی، مریم و زنجری، نسیم (1393)، به‌زیستن به عنوان مفهومی چند بعدی؛ واکاوی مفاهیم و تعاریف، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره 52، صص 65-91.
- عنبری، موسی (1392)، ستایش‌های شادمانه؛ الگوی مؤثر شادزیستی مردمی در ایران، مجله انسان‌شناسی، شماره 18، صص 101-129.

- غفاری، غلامرضا (1394)، آسیب‌شناسی و ناپایداری توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره 22، صص 25-49.
- فاضلی، محمد (1391)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- فیتزپتریک، تونی (1383)، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، چاپ دوم، تهران: نشر گام‌نو.
- گیدنز، آنتونی (1394)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (1395)، وضعیت ایران در گزارش شاخص پیشرفت اجتماعی (2016-2014)، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (1393)، پیمایش ملی کیفیت زندگی مردم ایران بر اساس پرسشنامه سازمان بهداشت جهانی، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
- موسوی، سیدمحسن (1392)، شادمانی؛ رویکردهای نظری و یافته‌های تجربی، تهران: انتشارات تیسرا.
- ویلیس، کتی (1393)، نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پوررجب، تهران: انتشارات پژوهاک.

- Bartram, David (۲۰۱۱), **Elements of a Sociological Contribution to Happiness Studies: Social Context, Unintended Consequences, and Discourses**, Department of Sociology University of Leicester.
- New Economics Foundation (۲۰۰۶), **Happy Planet Index**, Final Report ۲۰۰۶.
- New Economics Foundation (۲۰۰۹), **Happy Planet Index**, Final Report ۲۰۰۹.
- New Economics Foundation (۲۰۱۲), **Happy Planet Index**, Final Report ۲۰۱۲.
- New Economics Foundation (۲۰۱۶), **Happy Planet Index**, Final Report ۲۰۱۶.
- Oishi, Shigehiro and et al (۲۰۱۳) **Concepts of Happiness Across Time and Cultures**, Personality and Social Psychology Bulletin, Vol ۳۹, PP ۵۷۷-۵۵۹.
- Veenhoven, Rutt (۲۰۰۱) **Interdisciplinary Forum on Subjective Well-being**, Journal of Happiness Studies, Vol ۲, PP. ۹۲-۸۵.